



۲۰۲۱/۱۱/۲۱



عارف عباسی

## به جواب هم وطنی به اسم کاکر

هم وطنی به اسم کاکر در وبسایت افغان جرمن آنلاین عنوان من ضمن دیگر مسائل سؤالاتی را در مورد مظالم و استبداد اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید در برابر هواخواهان اعلیحضرت فراری امیر امان الله خان مطرح که من به جواب شان در عین وبسایت چنین نگاشتم:

کاکر صاحب محترم!

ممنون توجه و تذکرات شما. مثل بعضی از هموطنان شما از استبداد اعلیحضرت محمد نادرشاه در برابر هواداران اعلیحضرت امان الله خان تبصره نمودید. قبل از پرداختن به این موضوع و پاسخ به سؤال شما، من می خواهم بدانم که هواداران اعلیحضرت امان الله خان و فدایون و سرسپردگان شان در نه ماه امارت حبیب الله کلکانی کجا بودند؟ آیا اراکین عالی رتبه نظام با اتخاذ تصمیم جدی نمی توانستند که متعاقب فرار پادشاه از سقوط نظام جلوگیری و ترتیبات لازم را با ایجاد قوای مقاومت، با بسیج ساختن قوای نظامی و امنیتی مسلح و مجهز برای شهر کابل در برابر ۸۰۰ نفر مسلح و ۱۰۰۰ نفر سوته والای سقوی، اتخاذ نموده وطن را از این بحران تپاه کن رهایی بخشند؟ یا عساکر انگلیس دهن دروازه ها هریک شان ایستاده بودند و یا توسط جادوگران هند بریتانوی منتر شده بودند؟

وزیر دفاع داخله، والی و قومندان امنیه کابل، نایب سالاران، جرنیل ها، کرنیل ها و برگد ها کجا بودند؟ قشر پیشتاز و اصلاح طلب مشروطه خواهان چرا ناپدید بودند؟ نایب السلطنه ولی محمد خان دروازی چرا بعد از فرار سردار عنایت الله خان زمام امور کشور را به دست نگرفت، در حالی که گفته شد با کلکانی روابط مخفی داشت و به او تفنگ عصری بخشید و از پول حرام او حق گیری می کرد؟ پس تحلیل مؤرخ غیر جانب دار، مرحوم فیض محمد کاتب هزاره پیرامون رخنه فساد در دولت، بی مبالایی، بی پروایی، عدم احساس مسئولیت و عدم اعتماد به نفس بعضی، خودپرستی و ثروت اندوزی دولت مردان صائب است که منتج به فروپاشی نظام شد. در حالی که بسی اراکین بلند پایه سلطنت امان الله خان نه تنها که برای نجات وطن کاری نکردند، بلکه بعضی در عقب درب های ارگ برای بیعت به حبیب الله منتظر بودند.

اما بسی این هواخواهان و روشنفکران انقلابی در دوران سلطنت نوپای محمد نادرشاه سمارق وار از گوشه و کنار پدیدار و علناً به تخریب و سرنگونی نظام به فعالیت های مخفی که دست بیرونی در آن دخیل بود مبادرت ورزیدند.

میر غلام محمد غبار و جمعیتی از همفکرانش به طور جعلی از طرف امان الله خان مکاتیبی نشر و پخش می کردند که حاوی عودت شاه امان الله برای پس گرفتن سلطنت است، این احساسات معصومانه بعضی اشخاص خوشباور را برانگیخته و ایشان را تحریک به فعالیت های تخریبی نموده توسط استخبارات کشف و گرفتار و روانه محبس و یا چوبه دار شدند.

مرحوم میر غلام محمد غبار می نویسد که در روز اول اعلام پادشاهی محمد نادرشاه من با چند نفر رنگمال، نجار و معمار توطئه سقوط سلطنت او را در دروازه لاهوری طرح می کردیم.

در آن آوان برخورد نظام های بر سر اقتدار در منطقه در برابر مخالفین و مخربین نظام های شان چه بود؟ قاجاریان فارس، هند بریتانوی و ستالین شوروی حتی ممالک متمدن اروپایی در همان دوران با مخالفین خود چگونه معامله می کردند؟ کمال مصطفی آته ترک برای ایجاد ترکیه معاصر و رهایی ترکیه از فروپاشی و تجزیه قطعی ۷۰۰۰ نفر مخالفین و گماشتگان اجنبی را به قتل رساند.

من نمی خواهم با این دلایل ظم و استبداد و سلب حق آدمی را توجیه کنم ولی همان طوریکه محققى نوشت که ما نباید وقایع صد سال قبل را از عینک امروز بنگریم، بلکه افکار را به آن دوره و شرائط و مقتضیات آن مسیر بخشیده، قضاوت کنیم.

برای یک شخصیت مدیر مصمم به ایجاد یک دولت مرکزی قوی و مستقر و با ثبات بعد از پشت سر گذراندن بحران عمیق ویرانگر و احتمال متلاشی شدن و تجزیه، برخورد دموکراتیک و عادلانه را توقع داشته باشیم. بازهم تعداد مجموعی کشته و محبوس محمد هاشم خان را به تعداد کشتگان و محبوسین حزب دموکراتیک خلق و رؤسای تنظیم ها مقایسه کنید که داد و بی داد و ناسزاگویی در مورد اعلیحضرت محمد نادر شاه بیشتر از همین دو گروه است.

در مورد روابط نهایت دوستانه با احترام متقابل بین هر دو شخصیت حتی زن های خانواده داستان های مؤثق دارند. سپه سالار محمد نادرشاه نه تنها همکار، مادون و شوهر خواهر شاه بود بلکه یک مشاور صادق و صریح اللهجه برای شاه بود و مورد اعتماد شاه قرار داشت.

گویند در یک مجلس فاتحه اعلیحضرت امان الله خان پهلوی سپه سالار نادرشاه نشسته بود، در پشت دست نادرشاه نوشت «سپه سالار من به قربانت». متأسفانه که حسودان، رقبا بر بنیاد عقده شخصی و یا دستور بیگانه با حيله، مکر، منافقت و تملق این روابط را تیره و تار ساخته و یک دوست وفادار و بازوی اعلیحضرت امان الله خان را بیرون راندند.

بلی سهم سپه سالار محمد نادرشاه و برادرانش در حصول استقلال افغانستان در جبهه جنوب یک واقعیت غیرقابل انکار است که شخص امان الله خان مینار استقلال را به نام نامی نادرشاه اعمار نمود. بعضی ها استقلال افغانستان را تجلیل و مقالات می نوشته اعتبار به امان الله خان داده ولی از نقش قهرمانان این معرکه انکار می ورزند.

این که نام ها تغییر کرد بیشتر خواست جامعه و بدبینی مردم از دوران سلطنت اعلیحضرت امان الله خان بود که عکس العمل مردم در برابر ورود حبیب الله به کابل شاهد این مدعا است. شرح مکمل اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سلطنت امانی را در کتاب مرحوم فیض محمد کاتب هزاره «کابل در تسخیر» بخوانید.

آنچه را من در آن دوران محکوم میکنم محبوس ساختن اهل خانواده و اطفال معصوم محمد ولی دروازی و غلام نبی خان چرخى است که یک جنایت ضد بشری بوده در آن آوان برخ.



برای مطالب دیگر عارف عباسی روی عکس کلیک کنید